

نگران نباشید!



متی 5(25_34)

پس نصیحت من این است که برای خوراک و پوشاک غصه نخورید. برای همین زندگی و بدنی که دارید شاد باشید. آیا ارزش زندگی و بدن بیشتر از خوراک و پوشاک نیست؟ به پرندگان نگاه کنید. غصه ندارند که چی بخورند. نه می کارند نه درو می کنند و نه در انبارها ذخیره می کنند. ولی پدر آسمانی شما خوراک آن ها را فراهم می سازد. آیا شما برای خدا خیلی بیشتر از این پرندگان ارزش ندارید؟ آیا غصه خوردن می تواند یک لحظه عمرتان را طولانی تر کند؟ چرا برای لباس و پوشاک غصه می خورید؟ به گل های سوسن که در صحرا هستند نگاه کنید. آنها برای لباس غصه نمی خورند. با این حال به شما می گویم که سلیمان هم با تمام شکوه و ثروت خود هرگز لباسی به زیبای این گل های صحرائی نپوشید. پس اگر خدا در فکر گل هایی است که امروز هستند و فردا از بین می روند. چقدر بیشتر در فکر شماست ای کم ایمانان. پس غصه ای خوراک و پوشاک را نخورید. چون بی ایمانان درباره ای این چیزها همیشه فکر می کنند و سخن می گویند. شما با ایشان فرق دارید. پدر آسمانی شما کاملاً می داند شما به چه نیاز دارید. اگر شما قبل از هر چیز به ملکوت و عدالت خدا دل ببندید او همه ی این نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت. پس غصه ی فردا را نخورید چون خدا در فکر فردای شما نیز می باشد. مشکلات هر روز برای همان روز کافی است لازم نیست مشکلات روز بعد را نیز به آن بیفزایید.

در توضیح این کلام !

در اوایل قرن بیستم زمانی که ریل ها را برای رفت و آمد هرچه آسانتر درست شد یک شهردار در روستای کوچکی در آفریقا شایعه کرد که این ریل ها هم در آنجا ساخته میشود. شهردار گفت که باید به سرعت هر چی تمام تر یک ایستگاه قطار بنا سازیم. ما نباید این شانس را از دست بدهیم! به همین جهت هم روستای آن ها مسولانه یک ایستگاه کامل قطار را ساختند... ولی در آخر هیچ قطاری وارد آن روستا نشد. قطارها به آن روستا وارد نشدند زیرا اصلاً ریل در آنجا ساخته نشد. زیرا همه ای این حرفها فقط یک شایعه

بود. امروزه هم حتی میتوان از این ایستگاه قطار که نه دارای راه آهن نه دارای قطار است دیدن کرد. این مکان جای خوبی است برای کسانی که در زندگی خود برنامه‌های اشتباهی در ذهن دارند، اشتباهاتی که ما انسان‌ها همیشه انجام می‌دهیم. به راستی ما انسان‌ها همیشه در زندگی برنامه‌های اشتباهی را شروع می‌کنیم. ما در تمام زندگی خود یا خلق می‌کنیم یا نقشه میکشیم یا می‌سازیم و تمام این کارها ی ما در آخر نه به خدا ربط دارد نه به جهت خواست اوست. و به همین دلیل همیشه کارهای ما بی‌هدف می‌ماند. و با تمام تلاش و کوششی که ما به دوش میکشیم در آخر هیچ قطاری به ایستگاه قطار ما وارد نمی‌شود. و عاقبت یک دنیا ناامیدی و مرگ به طرف ما خواهد آمد و در ما ثابت می‌شود که همه ای این کارهای ما بی‌خودی بوده است و آنجاست که وجود ما بی‌دلیل و بی‌ارزش خواهد شد.

اینکه امروز مسیح به ما می‌گوید نگران نباشید! به این معنی نیست که ما بی‌خیال همه چیز باشیم و دیگر نه کاری بکنیم و نه برنامه‌ای برای زندگی داشته باشیم. او این پند را به ما نمی‌دهد که بگوییم فقط بخوریم و بنوشیم چون در آخر خاسته یا ناخاسته می‌میریم. بلکه او می‌خواهد ما را متوجه این بکند که خداوند آسمانی ما پشت هر کاری که ما می‌کنیم یا نمی‌کنیم وجود دارد. و این تنها پدر آسمانی ماست که می‌خواهد وجود ما را در روی زمین معنی بدهد. او به فکر همه چیز است از کوچکترین گرفته تا بزرگترین در نظر او می‌آید. و اوست که همه چیز را به هم ربط می‌دهد چیزهای که ما در روی این زمین انجام می‌دهیم را در کنار هم قرار می‌دهد. و اوست که ما را با برنامه‌های خود به سوی هدف واقعی رهنمای می‌کند. مسیح مقدس این را برای ما با مثل حیوانات و گیاهان روشن می‌کند. وقتی که خداوند ما به کوچکترین چیزها نظر می‌اندازد پس چقدر بیشتر به روی فرزندان خود نظر خواهد انداخت! او به تمام این چیزها ارزش و هدف می‌دهد. ولی به راستی ما انسان‌ها طوری دیگر عمل می‌کنیم ما فقط به فکر چیزهای هستیم که حالا وجود دارند. ما به فکر ارتباط با خداوند نیستیم به مانند کسانی که ایستگاه قطار را ساختند ولی هیچ وقت به فکر ساختن ریل نبودند. بلکه بی‌ایمانان هم به همان شکل رفتار می‌کنند. چون که ما به فکر چیزهای حال حاضر هستیم پس به فکر عاقبت و آخرت خود نیستیم و به همین دلیل به مال دنیا دل خوش می‌کنیم. بیشتر وقت‌ها متأسفانه ما لجوج و بی‌هدف عمل می‌کنیم. ما کار می‌کنیم زیرا به کار نیاز داریم ما پول به دست می‌آوریم زیرا به پول نیاز داریم. و در این راه‌ها اگر کسی بخواهد مانع کار ما شود یا بخواهد کار ما را از ما بگیرد سری مریض می‌شویم و از درون خود را می‌خوریم به این دلیل هم تا آخرین قطره‌ای خونمان در این راه می‌جنگیم. به این سبب ما کارهای روحی خود را فراموش کرده و به فکر چیزهای دنیوی هستیم. این همه اتفاق بد پیش می‌آید زیرا ما نخواستیم خداوند را در زندگی خود داشته باشیم و به این جهت ما در خود احساس می‌کنیم که دیگر کسی ما را دوست ندارد و برای چیزهای ناراحتیم که در حقیقت در زندگی ما به ما کمکی نمی‌کند.

اگر مسیح به ما می‌گوید که نگران نباشید! به این معنی است که او می‌خواهد ما را از تمام چیزهای که بی‌هدف و بی‌معنی هستند رها کند. او می‌خواهد که از طریق ایمان دنیای را به ما بشناساند که ما نه توان ساختن آن را داریم نه در آن قدرتی داریم. در تصویر ایستگاه قطار که بیان کردیم مسیح به ما نشان می‌دهد که ریل قطاری موجود می‌باشد و تمام کارهای که می‌کنیم در آخر بر روی این ریل قطار به حضور خداوند در آسمان در می‌آیند. و در این کلام حتی مسیح مقدس دو بار از خداوند بزرگ حرف به میان می‌آورد و می‌فرماید او تمام این کارها را انجام می‌دهد! ولی اگر خدای وجود نداشت ما انسان‌ها مسول قضاوت بودیم و با قانون خود کارها را پیش می‌بردیم. بعد آن موقعه میلیونها دلیل می‌توانست به وجود آید که دنیای ما را به سوی فساد و مرگ و نابودی می‌کشاند. بلکه اگر خداوند وجود نداشت هزاران دلیل وجود داشت که ما برای هر چیزی نگران باشیم. مسیح ما را در مقابل خدای قرار نمی‌دهد که بی‌رحم باشد. بلکه خداوند ما را از صمیم قلب دوست دارد به همین خاطر دلیلی وجود ندارد برای نگرانی! مسیح می‌خواهد که این نگرانی‌های که ما داریم را از میان راه بردارد و در آن صورت است که ما واقعاً آزاد می‌شویم. اگر من با استرس و نگرانی به آینده خود بنگرم سری ناامید شده و در درون من نگرانی‌های بی‌پایانی به وجود می‌آید. ولی اگر من ایمان داشته باشم که خداوند در تمام کارهای من در کنار من قرار دارد دیگر هیچ نگرانی گریبانگیر من نمی‌شود و هر روز پر نشاط می‌شوم. او مرا از این نگرانی‌ها آزاد می‌کند تا من به کارهای فکر کنم که خداوند به من داده است. و به همین جهت ما چیزهای اخلاقی و بالارزش را دارا می‌شویم. مسیح نمی‌خواهد

حالا ما از چیزها و کارهای این دنیا فاصله بگیریم زیرا او می‌داند که ما به هر دوی آن نیاز داریم ولی او از ما می‌خواهد که ما اول به فکر آخرت و عدالت خداوند باشیم. زیرا او خالق تمام چیزها است و نمی‌خواهد که آن‌ها را بی‌ارزش جلوه دهد. در این راستا او انسان‌ها را در بالاترین مرتبه قرار داد این برنامه خداوند بود برای ما انسانها... خداوند می‌خواهد که ما در این راستا کاوش کنیم و چیزهای بهتری را کشف کنیم که به زندگی راحتتر ما کمک کند. او از ما می‌خواهد که ما کار کنیم و خلق کنیم و برای زندگی بهتری تلاش کنیم. ولی جاهای که می‌تواند به زندگی ما و ارتباط بین ما و خداوند لطمه بزند خوداری کنیم. مثلاً عمری طولانی‌تر پول بیش از حد... این چیزها در واقع همیشه لازمه زندگی نیست. تاریخ به ما نشان می‌دهد که کشفهای بی‌ارزش می‌تواند به ما همیشه ضرر برساند و دنیای ما را به سوی نابودی سوق دهد. به همین دلیل مسیح می‌فرماید اول باید به فکر آخرت و عدالت خداوند بود و اگر اینطور باشد همه چیز در راه درست خود می‌تواند ادامه پیدا کند. به همین خاطر ما باید با تمام ایمان خود سر کار برویم و اگر هم جای برای ما نه پیش آمد باید بدانیم که خداوند برای ما برنامه‌ی دیگر دارد. زیرا خداوند ما را خوب می‌شناسد او می‌داند که هر کدام از ما به چه چیزی نیاز داریم به همین خاطر ما هم می‌توانیم با خیال راحت با تمام این چیزها کنار بیایم.

مسیح مقدس از تو ممنونم برای کاری که به من در این دنیا سپرده‌ای! به من کمک کن که راه تو را در زندگی خود بشناسم. در هر کاری به من درخشندگی ایمان و امید را عطا فرما
آمین